

## نقد مشهورات در نهضت مشروطیت ایران و مروری بر روند مطبوعات آزادیخواه ضد غرب عتبات عالیات

دکتر موسی نجفی

بحث مقدماتی در مورد مشهورات و نقد آن در نهضت مشروطیت ایران است. بحث نقد مشهورات می‌تواند این نکته را در برداشته باشد که می‌بایست در ماده خام تاریخی و در تحلیل تاریخی اصلاحاتی را ایجاد نمود. با توجه به اینکه رشته‌های علوم انسانی زنجیره‌وار به همدیگر متصل هستند این اصلاح و تصحیح در حوزه تاریخ می‌تواند به شاخه‌های علوم سیاسی، اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی و مردم‌شناسی در ایران متصل بشود و یک تصحیح دیدگاه در این رشته‌ها را هم به ارمغان بیاورد. ابتدای بحث سخن را با کلام دو تن از بزرگان مشروطه شروع می‌نمایم. نفر اول یک مجتهد آزادیخواه در نجف و دومین نفر یک فیلسوف صدرایی در اصفهان می‌باشد. این دو، مطلبی را با یک مضمون عنوان نموده‌اند، و بعد از نقل تاریخی جا دارد مطلب این دو شخصیت را باز کرده مورد تفسیر قرار دهیم.

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالله مازندرانی که از علمای آزادیخواه نجف بوده است در ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۲۸۷ شمسی مطلب مهمی عنوان می‌کند و در تلگرافی که به مجلس می‌زند اظهار می‌دارد که «امروز استبداد فردی به استبداد مرکبه تبدیل شده است»<sup>۱</sup> این یک جمله، که در تاریخ ثبت است. یک جمله هم از مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقایی، حکیم و فیلسوف صدرایی اصفهان، هست که در همین زمان موقعی که مرحوم آیت‌الله ارباب از ایشان سؤال می‌کند که شما چرا مشروطه را تأیید نمی‌کنید؟ وی اظهار می‌دارد که «ذات این مشروطه استبداد است»<sup>۲</sup> این دو جمله که تقریباً همزمان از دو نفر از بزرگان حکما و مراجع صادر شده نشان‌دهنده یک نوع

۱. نقل به مضمون از: تلگراف آیت‌الله مازندرانی به مجلس شورای ملی دوره دوم.

۲. خسرو احتشامی. از مضارب تا محراب. تهران، نشر بهینه. ۱۳۶۸.

استبداد جدیدی در ایران بوده که برخی از آگاهان جامعه آن را می‌دیدند و البته بسیاری نتوانستند به وضوح آن را ببینند. امروز بهتر می‌توانیم در مورد ابعاد این استبداد جدید متجددان مشروطه‌خواه تحلیل تاریخی کوتاه داشته باشیم.

این استبداد ناشناخته و ظریف جدید باعث شد که در دوره مشروطه دوم بسیاری از واژه‌های مقدس انقلاب مثل آزادی، عدالت، مساوات، برابری و برادری آلوده دست سیاسیون و رجال ناپاک بشود؛ و این آلودگی واژه‌ها که براساس کسب قدرت و منافع دنیوی برخی از اجزای حاکمیت جدید پدید آمد در زمان مشروطه و در دو دهه بعد از آن، که بحث احزاب سیاسی و درگیری گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی به وجود آمد و البته در دوره رضاخان، با شدت بیشتری دنبال شد. این موارد تاریخی به گروهی خاص از مورخان رسمی و هم‌جهت با جریان تجدد کمک کرد که کتابهایی بنویسند و البته سرنوشت انقلاب را در انحصار خودشان بگیرند و همراه با آن تفسیر نمایند. کتابهایی مثل حیات یحیی نوشته یحیی دولت‌آبادی،<sup>۳</sup> تاریخ مشروطه ملک‌زاده،<sup>۴</sup> تاریخ مشروطه کسروی<sup>۵</sup> و کتابهایی از این قبیل و کتابهایی که بعداً از روی منابع تاریخی این کتب نگارش یافت همه براساس یک انحصار و کلیشه‌ی تحلیلی نوشته شده حاکمی از اینکه در تاریخ ما دو خط بیشتر وجود ندارد: ۱. خط آزادی و تجدد، ۲. خط ارتجاع و استبداد.

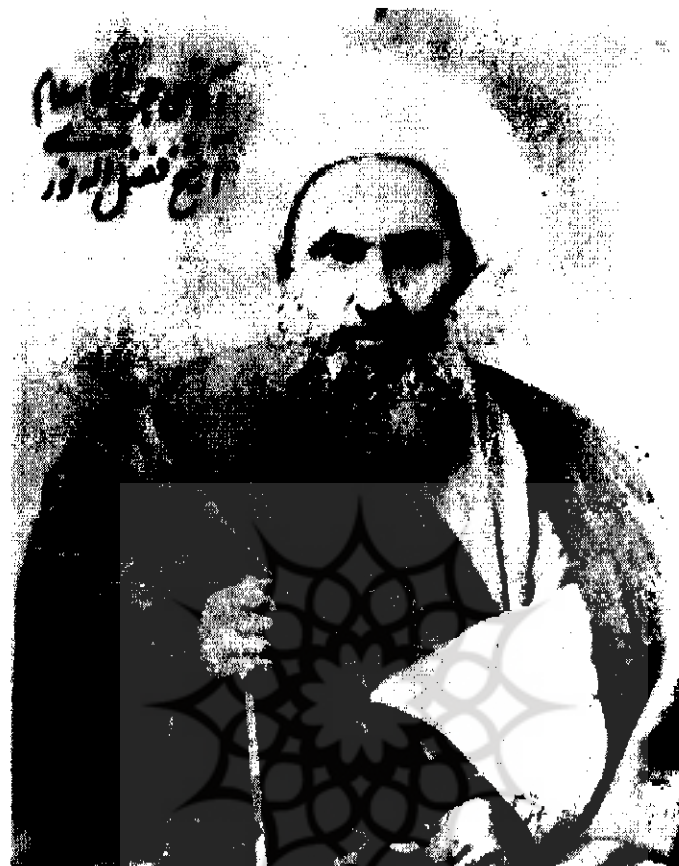
آیا واقع مسئله به این صورت بوده است؟ این مطلبی است که می‌تواند موضوع یک تحقیق جدی و خوب و مفصل تاریخی و سیاسی قرار بگیرد. بحثی که در آن باید دقت نمود این است که در همان زمان بسیاری از حقایق مشروطه به وسیله جریانی سیاسی تحریف گردید. مثال واضح این مسئله را می‌توانیم در تحریفی که در روزنامه صبح صادق در ارتباط با متمم دوم قانون اساسی و لایحه پیشنهادی شهید حاجی شیخ فضل‌الله انجام شد به خوبی دید. در این حادثه گروهی از افراد تحریک و اغواء شده در و پنجره دفتر روزنامه‌ای را شکستند و روزنامه‌نویس بیچاره روز بعد عنوان نمود که در چاپ شماره قبل در روزنامه حاضر نبوده و اشتهاً لایحه شیخ فضل‌الله چاپ شده، لذا آن شماره دوباره تجدید چاپ می‌شود،<sup>۶</sup> این فضای استبدادی بود که مشروطه‌خواهان و اعضای انجمنهای سری در تهران پیش آوردند. این تحریف در دو مقطع زمانی انجام شد. یکی

۳. یحیی دولت‌آبادی. حیات یحیی. تهران، عطار، ۱۳۶۲. (این کتاب به‌طور عمده دیدگاه سکولار مشروطه را با حب و بغضهای فرقه ضاله بکجا در بردارد.)

۴. مهدی ملک‌زاده. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران، ۱۳۳۱.

۵. احمد کسروی. تاریخ مشروطه ایران. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۶. این لایحه همان متنی است که بعدها به صورت کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر متمم دوم قانون اساسی گردید و نظارت پنج نفر فقیه را بر مجلس مورد تأیید قرار می‌داد.



آیت الله شیخ فضل الله نوری [ ۷۷۶-۱۲ ]

در زمان خود مشروطه و دیگر بعد از آن. به چند نمونه تاریخی در کل ماجرا اشاره می‌نماییم.

۱. در حوزه رهبرشناسی مشروطه که رهبران مشروطه را بر اساس جاذبه‌ها و دافعه‌هایی که می‌خواستند تقسیم می‌کردند و مقام و منزلت اشخاص و رجال را بزرگ و کوچک می‌کردند. ۲. در مورد تأثیر خط فکری و جریان مشروطه و انجمنهایی که به تفکر خاصی نزدیک‌تر بود، گروهی بیشتر و گروهی کمتر مطرح می‌شدند. ۳. بزرگ کردن و کوچک کردن وقایع و رخدادها را به آن صورتی که می‌خواستند قرنطینه کرده و به آن حدی که صلاح می‌دانستند بال و پر می‌دادند و یا آن را به میزانی که می‌خواستند کم و زیاد می‌کردند. ۴. تقسیم دوره‌های تاریخ و تحولات مشروطه به مقاطع و قطعه‌هایی که با مبانی و اصول حزبی و صنفی خاص احزاب منطبق باشد. مثل مشروطه اول و دوم و یا

استبداد را بر آن اساسی که می‌خواستند درجه‌بندی تاریخی می‌کردند. بعداً تأثیر انجمنهای ملی در تهران و در شهرستانها هم وارد این تحریف شد که خود این هم به یک نحو واقع‌بینانه نبود. ۵. اما در مورد تأثیر مطبوعات می‌توان گفت مطبوعاتی را که می‌خواستند، بیشتر مطرح می‌ساختند آنها را باعث هیجان‌ات ملی و عوامل بیداری مردم قلمداد می‌کردند و از بسیاری از مطبوعات و نقش آنها صرف‌نظر می‌نمودند. ۶. پیوند زدن سرنوشت مشروطه با سرنوشت برخی از همین رجال و برخی از همین مورخان که برخی از وقایع را با سرنوشت خودشان گره می‌زدند. ۷. خدشه‌دار کردن ملاک مهم خدمت و خیانت در آن مقطع تاریخی، تالی منطقی مقدمات گفته شده می‌باشد. از نمونه‌های تاریخی این مهم می‌توان به بحث اعدام شیخ فضل‌الله نوری اشاره کرد که همان زمان اعلامیه‌ای را در سطح شهر تهران و در جمعیتی که در پای دار حضور داشتند پخش کرده این‌طور عنوان نمودند که شیخ و دوستانش از عوامل اجانب هستند و می‌خواهند اجانب را به ایران دعوت کنند.<sup>۷</sup>

نکته تحریف‌آمیز دیگر کلیشه‌برداری مورخان از انقلاب فرانسه و انقلابات اروپایی است، در این مورد، روشنفکر ایرانی را اتلکتوتل،<sup>۸</sup> روحانی و آخوند را کشیش و بازاری را بورژوا معرفی کردند، چیزی که در هر سه مقطع تاریخی قابل نقد و قابل بررسی است.<sup>۹</sup>

تحریف دوم در سطح، حوزه و مقام اندیشه سیاسی است. در این قسمت که قسمت عملی تاریخ مشروطه قرار دارد، مشهوراتی وارد شده که جای تأمل بسیار پیدا می‌کند. در قسمت اندیشه سیاسی تحریفاتی شده که عمدتاً از نویسندگان «اندیشه ترقی» نشئت گرفته. در این دیدگاه تنها اندیشه‌ای که در مشروطه اندیشه مثبت و قابل اعتنا ارزیابی می‌شود و قابل توجه و بحث علمی است اندیشه‌ای است که از طرف کسانی بیان شده که در غرب تحصیل کرده‌اند. فریدون آدمیت می‌نویسد: «تنها گروهی که تصور روشنی از مشروطیت داشت عنصر ترقی‌خواه تربیت‌یافته معتقد به حکومت دمکراسی غربی بود.»<sup>۱۰</sup> اما واقع امر چنین نیست چرا که وقتی از رسائل دوره مشروطه بحث می‌کنیم آن چیزی که مسلم است حدود هشتاد رساله سیاسی است که در دهه اول مشروطه نوشته شده است. از این رسائل قسمت اعظم آن تألیف علمای دینی و یا از مردم عادی کوچه و

۷. مهدی انصاری. شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت (روایتی دو اندیشه). تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.

۸. این مورد به خصوص در کتب آقای دکتر فریدون آدمیت بسیار به چشم می‌خورد.

۹. با این دیدگاه می‌توان به کتاب تشیع و مشروطیت نگاه کرد. رش. به عبدالهادی حائری. تشیع و مشروطیت. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۱۰. فریدون آدمیت. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۰، ص ۲۲۸.

بازار بوده است؛ و اکثر رساله‌های اقتباس‌گونه و ترجمه شده از ناحیه کسانی نوشته شده که غربگرا بوده و در جبهه تجددخواهان قرار داشته‌اند. البته در این گروه هم رساله‌هایی تألیف شده ولی درصد کمتری نسبت به شریعت‌خواهان در این قسمت مشاهده می‌شود.<sup>۱۱</sup> در اینجا خط ترقی و خط تجدد هر نقدی را که نسبت به مبانی و یا سیاستهایش شده ارتجاع دانسته و به استبداد نسبت داده است و از این نظر یک حق مهمی در تاریخ ایران ضایع و تحریف شده و این مسائل و حوزه فکری البته در تاریخ ما معمولاً کمتر درباره‌اش بحث می‌شود. بعد از انقلاب اسلامی یک مقدار فضا برای اندیشه مشروعه بازگردید. ولی مشروعه تمام حرف و تمام وجهه دینی مشروطه نبوده است، یعنی مشروعه یکی از شاخه‌های آن قضایی بود که در جریان‌سازی مورخان رسمی بسته شده بود. با توجه به این نکات می‌توان گفت آن اندیشه‌ای که کمتر به آن توجه شده اندیشه آزادیخواهان دیندار و دین‌باوری بوده است که نقاد استبداد بوده‌اند ولی با غرب هم سر ستیز داشته‌اند. تجدد می‌خواستند ولی در حدی که خود گزینش و انتخاب می‌کردند و اجتهاد و نقادی می‌نمودند. مشروطه را قبول داشتند ولی انگلستان و غرب را قبول نمی‌کردند و در مقابل استعمار و سلطه مغرب زمین موضع سخت می‌گرفتند. در یک کلام تفسیرشان از مشروطه، دینی و نه غربی و فرنگی بوده است. مشروطه‌خواهان متجدد و حاکم در مجلس دوم و مجالس بعدی این خط را در تاریخ مشروطه تا آنجایی که با حرفهای خاص زمانی و جاذبه‌های خودشان سنخیت داشت، تبلیغ و جزو گروه و تبلیغات ملی و آزادیخواهانه حساب می‌کردند و آن جایی که با جاذبه‌ها و اهداف و اصولشان موافقت و سنخیت نداشت فراموش می‌کردند.<sup>۱۲</sup> مثلاً در تواریخ مشروطه اعلامیه‌های آخوند ملامحمدکاظم خراسانی یا مراجع ثلاث نجف بحث می‌شود، ولی وقتی جریانات سیاسی مشروطه دوم روی کار می‌آیند و خطر اصولگرایان دینی (مشروعه‌خواهان) برطرف می‌شود، آخوند خراسانی فراموش می‌شود و حتی خطرناک جلوه می‌کند و این مسئله تا لحظه مرگ پیشوای مشروطه ادامه می‌یابد. در مسائل مهم مملکتی که بایستی یا تفسیر دینی و یا مشربهای غربی اجرا شود این حساسیت دو چندان می‌شده است؛ به عنوان نمونه، وقتی که تلگراف مرحوم مازندرانی و آیت‌الله خراسانی در ارتباط با معرفی بیست نفر از مجتهدان طراز اول به مجلس می‌رسد و برای انتخاب پنج نفر مجتهد تأکید زیاد می‌شود، این تلگراف چند ماه

۱۱. موسی نجفی، بنیاد فلسفه سیاسی در ایران، (عصر مشروطیت)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.

۱۲. این اقبال و ادبار مشروطه‌خواهان نسبت به این تفسیر از مشروطه به خاطر دوره اجمال و تفصیل در مشروطه بوده است. زمانی که دسته‌جات و رقبای سیاسی آنان در میدان بودند از وجهه و اعتبار دینی این گروه استفاده کردند و زمانی که همه را کنار زدند اینها را یا ترور و یا خانه‌نشین نمودند.



آیات عظام عبدالله مازندرانی، حاج میرزا حسین خلیل نهرانی، محمدکاظم خراسانی (آیات ثلاثه) [۸۹۱-۴]

بعد خوانده می‌شود و آن را از مجاری خاصی عبور می‌دهند و مستقیماً در ارتباط با ملت مطرح نمی‌شود.<sup>۱۳</sup> بنابراین، یک جریانی در تجدد ملی ایران مشاهده می‌شود که به آیین تجدد حاکم کاری ندارد، مستبد نیست، ضداستعماری است و در مواضع مختلف حرفهای جدی برای گفتن دارد. البته یکی از شاخه‌های این جریان می‌تواند مرحوم آقای شیخ فضل‌الله نوری در جناح غیرمشروطه‌خواه تفسیر شود که البته ایشان در دوره آخر، مشروطه را نفی کرده و صف خود را از مشروطه‌خواهان جدا می‌کند. شیخ فضل‌الله شهید سه موضع در مشروطه دارد. وقتی مشروطه ضداستبدادی است، مشروطه‌خواه بوده است و در مرحله دوم در جریان جنگ بین غربگراها و اسلامگراها قائل به مشروطه مشروع می‌شود، و در مرحله سوم مشروعه غیرمشروطه می‌خواهد.<sup>۱۴</sup> اما جریان مشروطه‌خواه نجف، این جریان تا مدت‌های مدید مشروطه‌خواه بوده ولی تفسیر دینی و

۱۳. به نظر می‌رسد از این زمان به بعد، مشروطه حاکم حضور کامل توده مردم را نمی‌خواهد بلکه دموکراسی عامه را به طرف احزاب و مجاری تشکیلاتی هدایت می‌کند چرا که نبض توده مردم را در دست نداشته است.

۱۴. مواضع و دیدگاههای شیخ را می‌توان در این اثر به‌طور مستند مطالعه نمود: علی ابوالحسنی، پایداری تا پای دار، تهران، نور، ۱۳۶۸.

ضداستعماری و ضدغربی از مشروطه داشته است. نکته‌ای که در این جریان مهم می‌توانیم بحث کنیم این است که این جریان در کتب، در رسائل، مطبوعات و حتی رجال سیاسی قابل تحقیق و پیگیری است و می‌توانیم اسناد و مدارک زیادی را از آن مطرح سازیم. بحث جریان تجدد به اینجا رسید که تمام محاسن و تمام خدمات مشروطه را به حساب خاص خود گذاشت؛ حتی در زمینه استبداد مدعی تنها رقیب و مدعی مخالف استبداد شد. اما بایستی گفت این تفکر در مورد استبداد، استعمار، نقش مردم، روحانیت و تجدد موضع خاص خودش را دارد که اینجا موضع متجددان اولیه را می‌توان بحث نمود، البته موضع اینها نسبت به برخی از این جریانات خواندنی است. یک مسئله مهم، جنبه ضداستبدادی جریان حاکم بر مشروطه است که اکثراً به حساب انجمنهای سری گذاشته می‌شود<sup>۱۵</sup> و منحصراً جریان غربگرای مشروطه را در مورد استبداد مطرح می‌کنند.<sup>۱۶</sup> این خط و این سیر تاریخی به هر حال محل تردید است. به‌طور کلی ضداستبدادی معرفی کردن اندیشه ترقی قابل خدشه است و این نه تنها در تاریخ مشروطه قابل خدشه است در دهه‌های قبل از آن هم جای سؤال دارد؛ به عنوان مثال، وقتی که قضیه قتل ناصرالدین شاه پیش آمد، انجمن آدمیت اطلاعیه‌ای می‌دهد که در این اطلاعیه نوشته شده است:

وجود پادشاه حقیقت‌پرست، سرود حقیقی آدمیان است و لهذا به جمیع جوامع آدمیت دستورالعمل مؤکد صادر می‌شود که همه اخوان و کل امناء و عموم آدمیان اطاعت و تعظیم آن وجود مبارک را یعنی پادشاه را بر ذمه انسانیت خود واجب بدانند. وای بر آن جهال گمراه که نسبت به این پادشاه معصوم که امروز جامع امیدهای ایران است، به قدر ذره‌ای مصدر خیانت شود.<sup>۱۷</sup>

نامه دوم که اصالت و صداقت یکی از بنیان مهم اندیشه ترقی را زیر سؤال می‌برد نامه میرزا ملکم خان به ناصرالدین شاه قاجار است و تاریخ آن زمانی است که فراموشخانه ملکم در تهران به وسیله دولت بسته شده است. ملکم می‌نویسد:

۱۵. در این مورد مهدی ملکزاده می‌نویسد که یک طبقه کوچک روشنفکر که عده آنها در تمام ایران از چند هزار نفر تجاوز نمی‌کرد و معتقدان بسیار ناچیزی داشت، این اقلیت روشن‌ضمیر چون جسم ناتوانی در میان دو سنگ آسیاب با فشار و سختی، عمر پرمحنتی را می‌گذرانیدند و چون روحانیان به عوام تلقین کرده بودند که آنان مردمانی بی‌دین و مخالف شرع می‌بمانند، مورد تفرق و بی‌اعتنایی عموم بودند.

۱۶. مهدی ملکزاده. تاریخ مشروطیت ایران. ج ۱، ص ۹۲.

۱۷. در مورد این سند و اطلاعات دیگر در مورد انجمن آدمیت. ر.ش. به: محمود کتیرایی. فراماسونری در ایران با فراموشخانه از آغاز تا تشکیل لژ بیداری. تهران، اقبال، ۱۳۶۳، ص ۹۱.

والله و بالله هر یک از تکالیف را که اشاره بفرمائید قبول خواهم کرد. به همه حالت راضی هستم مگر بیکاری. بیکاری را هم قبول خواهم کرد اما به شرط اینکه اسباب گذاران [گذران] من مهیا باشد. اگر بخواهید هم گرسنه باشم هم بیکار بمانم این نخواهد شد. من اگر حقه‌بازی کنم سالی هفت هشت هزار تومان عاید من می‌شود. اگر فراموشخانه برپا کنم سالی بیست سی هزار تومان مداخل دارم. اگر روزنامه‌نویسی بکنم به اصطلاح قدیمیها هر کس را بخواهم به زانو می‌اندازم. با وصف این چگونه ممکن است من خود را زنده دفن کنم؟<sup>۱۸</sup>

این دو سند مثنوی از خروارها سند و مطلب و متن تاریخی است. شاید بتوان خلاصه همه این اسناد را با جمع‌بندی مرحوم جلال آل‌احمد از این جریان تطبیق داد. او معتقد است که:

روشنفکر ایرانی از اوان آشنایی با فرنگ تا به امروز مدام گرفتار یک تسلسل و دور احمقانه است. میان حکومت و روحانیت این دو قدرت اصلی که در هر قدمی باید حسابشان را نگه دارد. روحانیت نیز که چون از همان آغاز کار دم خروس کمپانی تنباکو را در جیب ملک‌خان دید او و فرنگی بازبهایش را تکفیر کرد. ناچار می‌ماند فقط و فقط حکومت. از قضیه تنباکو بگیر تا امروز، در تمامی این صد ساله، روشنفکر ایرانی با هوایی از اروپا و آمریکا در سر، مردد میان قدرت حکومتها و عزلت عارفانه، خسته از مردم و بی‌خبریشان و کلافه از روحانیت در آخرین دقایق حساس برخوردهای سیاسی میان روحانیت و حکومت، اغلب طرف حکومت را گرفته است. چرا که تنها حکومتها قادر بودند به اتکاء پول نفت بهترین مزدها را به او و به آرائش بدهند و در مقابل آراء تعدیل شده او رفاه زندگی را تأمین کنند.<sup>۱۹</sup>

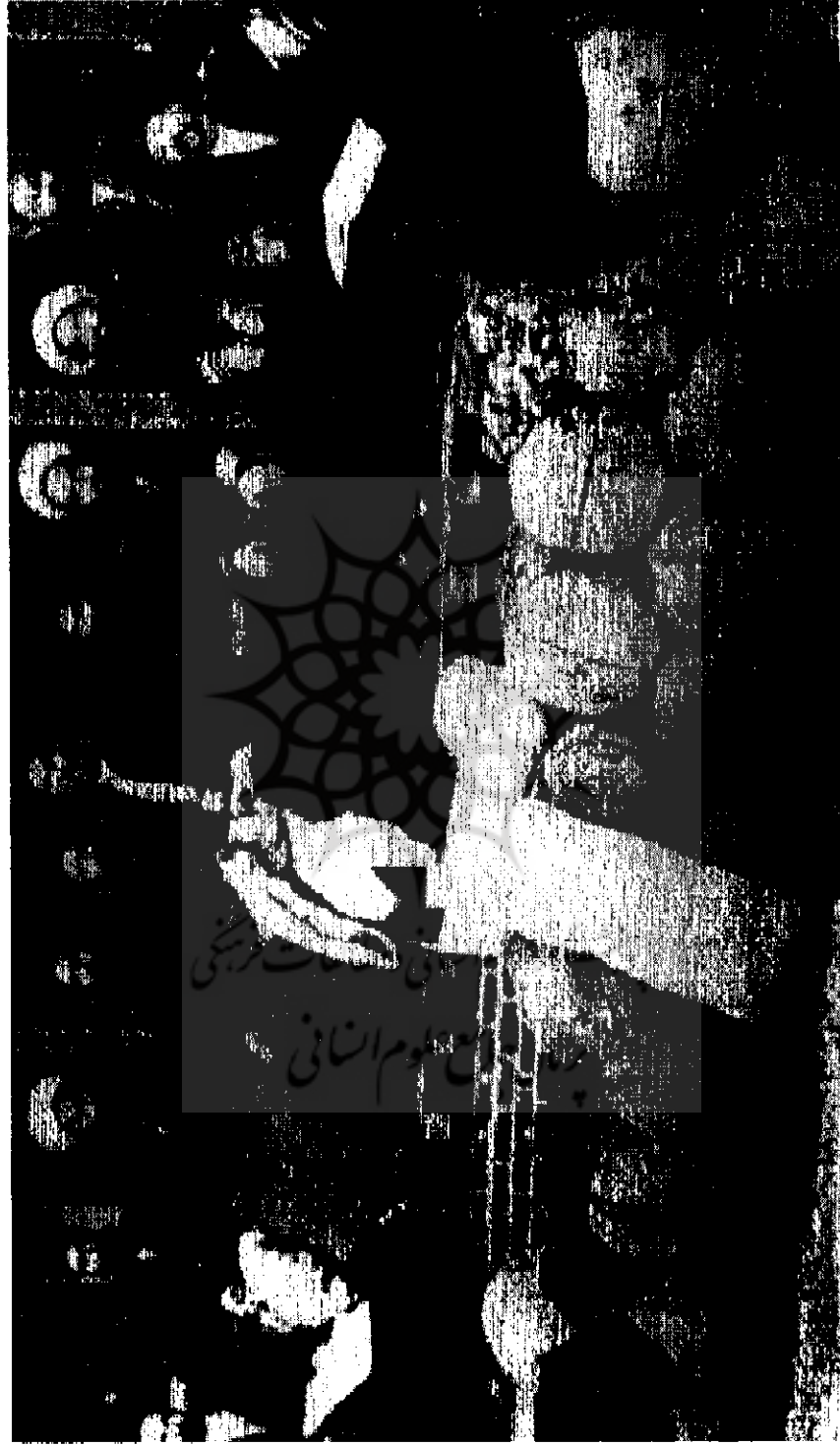
مثال و مثالهای فراوانی برای این نظر مرحوم آل‌احمد در تاریخ می‌توان یافت ولی از بین آنها ذکر یک نکته و یک مثال تاریخی شاید کافی باشد. روزنامه اختر در اوج نهضت تحریم تنباکو در ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۰۹ وقتی قیام مردم مشهد را گزارش می‌کند، می‌نویسد: «بعضی از عوام‌الناس آنجا به سبب ورود مأمورین رژیم به های و هوی برخاسته، به ولوله و آشوب همداستان شده‌اند».<sup>۲۰</sup> یعنی قیام تحریم تنباکو از نظر روزنامه اختر «ولوله و آشوب» مردم عوام است. حتی موضع منفی این جریده شاخص

۱۸. اصل این سند در مجله بررسیهای تاریخی به چاپ رسیده است. همچنین برای اطلاع از اندیشه و زندگی میرزا ملک‌خان رش: به: حامد الگار. میرزا ملک‌خان. ترجمه جهانگیر عظیمی. تهران، انتشارات مدرس، ۱۳۶۹.

۱۹. جلال آل‌احمد، در خدمت و خیانت روشنفکران. تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۷، ص ۵.

۲۰. روزنامه اختر، سال ۱۳۰۹ قمری.





جمعی از روحانیون، تجار و معتمدین مردم پس از صدور فتوای تحریم تنباکو و به هنگام تصرف مرکز کپانی رژی در تهران | ۳۸۸۳-۱۹

اندیشه ترقی در مسئله مهم دخانیه، عداوت جریان ترقی با استبداد را بیشتر شبیه‌دار و غیرحقیقی وانمود می‌کند. اینجا یک بحث پیش می‌آید و آن اینکه چه کسانی و چه جریانی سلطنت استبدادی ایران را ضربه زده‌اند؟ چه نفوذی داشته‌اند، و این نفوذ چگونه اعمال می‌شده است؟ در جواب به این پرسشهای تاریخی لازم نیست زیاد دور برویم؛ نقل قولی از مرحوم دکتر عنایت در اینجا می‌تواند مفید باشد. این قول که به نحوی اندیشه سیاسی در تاریخ تحولات محسوب می‌شود معتقد است: «آیا نوشته‌های میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف، آخوندزاده، ملک‌خان با آن تعابیر و اصطلاحات که اغلب بیگانه و برگردانیده از زبانهای بیگانه بود مانند پروگرام، پروغرس برای چه کسانی در میان مردم ایران قابل فهم بود. این کسان چه نسبتی از کل نفوس ایران را تشکیل می‌دادند.»<sup>۲۱</sup> اینجا باید تحقیق کنیم که به استبداد ایران چگونه ضربه زده شده است؟ در جواب بایستی برگردیم به فتوای مرحوم میرزای شیرازی و اینکه ایشان نمی‌نویسند «الیوم استعمال توتون و تنباکو حرام است» بلکه می‌نویسند: «استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) است»<sup>۲۲</sup> یعنی «مهدویت» و «امامت» را در مقابل سلطنت قرار می‌دهد و به خاطر همین تأثیر بود که برای اولین بار در تظاهرات مردم تهران در بطن قیام تحریم تنباکو، شاه ظل‌الله به نام «شاه‌باجی سیبیلو» مطرح و عنوان می‌شود؛ یعنی قداست شاه بعد از قیام تحریم تنباکو ریخته می‌شود.<sup>۲۳</sup>

مرحوم مدرس تحلیل خوبی از این قضیه ارائه می‌دهد. او که هم در قیام تحریم تنباکو و در نهضت مشروطه و هم در دوره رضاخان حضور داشته است در ارتباط با قیامهای شیعی و مقابله با استبداد و سلطنت و طریق آرام این براندازی می‌گوید:

بالاخره واقعه تاریخی تحریم تنباکو نظام سلطنت را سست نمود و از اقتدار انداخت. قدرت و احترام فرد یا حکومت ریشه در قلوب مردم دارد. اگر این ریشه آسیب دید، درخت قدرتها زرد می‌شود و کم‌کم می‌خشکد و طوفانی و تبری آن را از ریشه برمی‌کند. استبداد سلطنتی در ایران بدون توجه به واقعه دخانیه به مشروطیت نمی‌رسید. آن همه تعارفات و القاب و گنده‌کردنها هم که بعدها در نامه‌های حضرات میرزاها برای ناصرالدین شاه‌ها عنوان شد نتوانست برگی تازه بر این درخت کبود سلطنت بکشد\* بزند.<sup>۲۴</sup>

۲۱. حمید عنایت. «در حاشیه برخورد آراء در انقلاب مشروطیت»، یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری. تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳. ص ۱۵۵.

۲۲. در این مورد قابل استنادترین و موقوت‌ترین متن رساله دخانیه نگارش مرحوم شیخ حسن کربلایی می‌باشد.

۲۳. احمد کسروی، مورخ غیردینی قیام تحریم تنباکو را اولین نکان ایرانی و جنبش ملی مهم می‌داند.  
\* بکه در اصطلاح محلی اصفهانی یعنی جوانه

مدرس همچنین در تحلیل واقعه دخانیه همچنان معتقد است که: «مسئله تنباکو برای اولین بار مسئله سیاسی شد و علما را به دو گروه تقسیم کرد: علمای سلطانی و علمای ملی. در اسلام هر دو گروه تردیدی نیست ولی در عقایدشان حرف است.»<sup>۲۵</sup>

نمونه دیگر برای عامل تحرک و جنبش ملی و شور سراسری می‌توانیم به آخرین نامه‌ای که مرحوم آیت‌الله میرزای شیرازی برای میرزای آشتیانی، می‌نویسد و از «اعلای کلمه ملت» صحبت می‌کند، اشاره داشته باشیم. یک ملت جدید، یک ملتی که می‌خواهند بر اساس هویت شیعی به حقوق خودشان برسند. این را میرزای شیرازی با تعبیر «اعلای کلمه ملت» نام می‌برد.<sup>۲۶</sup> یعنی اینها توجه به این مسائل داشتند و می‌بینیم که جمله محاربه با امام زمان (عج) و مخالفت با «مهدویت»، که میرزای شیرازی پانزده سال قبل از مشروطه بحث می‌کند، این تعبیر به نهضت مشروطیت می‌رسد. مخالف با دارالشورای ملی «شیدالله ارکانه» در حکم محارب با امام زمان (عج) است و این همان جمله‌ای است که می‌تواند حضور مردم و مشروطه‌خواه شدنشان را به ما بهتر تفهیم کند؛ یعنی مردم که با مجلس مخالفت نمی‌کنند چون مخالفت با مجلس، مخالفت با امام زمان (عج) تلقی می‌شده است. در اعلامیه‌های علما<sup>۲۷</sup> این لفظ و نظایر آن فراوان یافت می‌شود و اینجا متوجه می‌شویم که می‌توانیم خطی تاریخی را در نقد اندیشه ترقی و تجدد غیربومی ایران تحقیق نماییم. در این مورد، علاوه بر اعلامیه و متون تاریخی، رسائل و مکتوبات مهمی وجود دارد؛ مثلاً رسائلی موجود است که از اول کار شروع تجددخواهی، به خصوص در پیشکسوتان این امر مثل ملکم، متوجه نقاط ضعف این جریان شده و اگر جلوتر بیاییم تا دوره‌های بعدی این مسئله پررنگ‌تر و شفاف‌تر دیده می‌شود. در یکی از این رساله‌ها وقتی که در مورد سیاست بحث می‌شود سلطنت مورد انتقاد قرار می‌گیرد، ملکم‌خان و تفکراتش هم نقد می‌شود. در این رساله می‌خوانیم که قوانین ملل فرنگستان به درد ما نمی‌خورد. مرحوم شیخ حسن کربلایی، مؤلف تاریخ دخانیه به رغم اینکه در کتاب خودش ضدسلطنت است،<sup>۲۸</sup> از ورود «امواج فتن فرنگستان»<sup>۲۹</sup> بحث می‌کند. امواج فتن فرنگستان بحث جدی و مهمی بوده که صد سال

۲۴. علی مدرس. «نگاه مدرس به واقعه دخانیه». سده تحریم تنباکو. به اهتمام موسی نجفی و رسول جعفریان.

تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳. ۲۵. همان، ص ۱۴۱.

۲۶. ن. ک. به: مقدمه دفتر اول و مقدمه دفتر دوم سده تحریم تنباکو.

۲۷. این تعبیر در حوزه‌های دینی طرفدار مشروطه مثل حوزه نجف اشرف و مراجع دینی آنجا و در حوزه دینی اصفهان و علمای مشروطه‌خواه آن دیار رایج بوده است.

۲۸. رش. به: شیخ حسن کربلایی. رساله دخانیه. متن کامل آن در دفتر دوم کتاب سده تحریم تنباکو آورده شده است.

۲۹. همان، ص ۵۳.

است معضل و مسئله اصلی کشور ما محسوب می‌شود؛ یعنی مشروطیت را می‌شود طبق یک تحلیل، یک نوع احیای اسلامی براساس نهضت‌های شیعه از قبل از قیام تنباکو به بعد تحلیل کرد. این جریان فکری و سیاسی که البته در نهایت کار مشروطه به کنار رفته و با تفوق مشروطه‌خواه‌های افراطی ظاهراً از نظر سیاسی و حاکمیت ملی از بین رفته است، ولی نمونه‌های فکری زیادی را از خود به یادگار گذاشته است. در کتاب‌های مربوط به مشروطه و در کتابهایی که در عصر مشروطه نوشته شده است مثل کتاب آفتاب و زمین، نوشدارو یا دوی درد ایرانیان و بسیار کتاب‌های دیگر که جنبه ضداستعماری مشروطه را ارزش می‌دادند می‌توان شواهد فراوانی در این مورد یافت.<sup>۳۰</sup> به عنوان مثال از حوزه ایرانیان آزادیخواه عراق، به خصوص مطبوعات شهر نجف و کربلا، می‌توان از نویسندگان و روزنامه‌نگارانی سراغ گرفت که در این جریان قرار دارند و کمتر مطرح شده‌اند و البته سرنوشت مظلومانه و گاه تلخ و پرزحمتی در این دنیا داشته‌اند. به ذکر یک نمونه از این بزرگان اکتفا می‌کنیم، بزرگی که با وجود حیات پربار سیاسی و متعهدانه مطبوعاتی و ملی‌اش، نه تنها در خور شأن و مقامش با وی رفتار نشد بلکه چون نقاب در تیره خاک کشید، نامش را هم در جنجال مطبوعات و تاریخ‌نگاریها در زیر سطور تحریف تجددخواهان مدفون کردند و به قدری فضاهای کاذب در انقلاب مشروطیت ساختند که فضاها و رجال اصیل، نمی‌توانستند خود را به درستی نشان دهند، و امروز نیز نشان دادن چهره واقعی این افراد بعد از کنار زدن دهها پرده مرئی و نامرئی سانسور و یا تاریخ‌سازی بسیار سخت ممکن است؛ در هر حال، از شخصی به نام حاج میرزا علی‌آقای شیرازی صحبت می‌کردیم، این مرد بزرگ مدیر چندین روزنامه مهم مشروطه‌خواه و البته ضدانگلیسی بوده است؛ روزنامه‌های مظفری، انتباه، انتقام، حقایق، غیرت و صدای اسلام. و تمام روزنامه‌هایی که او انتشار داده در مخالفت با انگلستان و استعمار مغرب زمین بوده و در آنها مطالب مهمی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و ملی چاپ می‌شده است. این مرد بزرگ که در نوشته‌های مشروطه‌خواهان نامش به عمد به فراموشی سپرده شده یک آزادیخواه واقعی بوده و طمع تلخ نفوذ بیگانه را با تمام وجود تا آخر عمر چشیده است. در مورد ایشان مرحوم صدرهاشمی نویسنده تاریخ جراید و مجلات ایران معتقد است که تأثیر روزنامه مظفری بوشهر و عقاید آزادیخواهی این روزنامه بیشتر از حیل‌المتین در بیداری مردم مؤثر بوده است. میرزا علی‌آقا شیرازی، که قبل از نهضت مشروطه روزنامه و جریده داشته است، وقتی روزنامه‌هایش را ورق می‌زنیم و آثار مختلفش را ملاحظه می‌کنیم سرتاسر تعهد و ارزشهای مذهبی و ملی و ضدبیگانه را در آنها به وضوح

۳۰. ر.ش. به: متن کامل دو رساله در ضمانت بنیاد فلسفه سیاسی در ایران.

می‌بینیم. میرزا علی آقا شیرازی، با این سوابق عالی موقعی که می‌خواهد به بوشهر برگردد (۱۳۳۲ قمری) در اوج حاکمیت مشروطه‌خواها که دیگر از استبداد به آن معنی - استبداد قاجاری - خبری نبوده این بار حکومت بوشهر و دولت ایران اجازه ورود به او نمی‌دهند. ظاهراً در قضیه نفوذ انگلستان و عدم اجازه آنان در ورود یک آزادیخواه ضدسیاست انگلستان به کشور بوده است. میرزا علی آقا شیرازی وقتی می‌بیند سلطه استعمار غرب در ایران این طور با وحشت و ارباب وجود دارد به کربلا می‌رود و مطبوعه حسینی را در کربلا باز می‌کند. روزنامه انتقام (انتباه) را چاپ می‌کند و مطالب خود را در مخالفت با انگلستان به چاپ می‌رساند. مرور بر زندگی و تلاش میرزا علی آقا شیرازی ما را به فضای مشروطه عتبات و اصول و عقاید برخی رجال گمنام و بزرگ ایران نزدیک می‌کند.

مناسب است مروری اجمالی بر روزنامه‌های پرباری که از خامه قلم میرزا علی آقا شیرازی تراوش کرده داشته باشیم، به جرایدی که تا زمان فوت حاج میرزا علی آقا شیرازی<sup>۳۱</sup> همچنان یکی پس از دیگری چاپ می‌شده است. اما اینکه در این فاصله زمانی یعنی از قبل مشروطه تا زمان فوت چه اقداماتی از سوی میرزا علی آقا شیرازی انجام شده است می‌تواند موضوع یک تحقیق مستقل و مستلزم حوصله زیاد باشد؛ ولی ما برای ادای دین و تجلیل از نام و یاد او و همچنین توصیف بهتر وضعیت جراید ایرانیان مقیم عتبات و حتی فضای حوزه نجف که بزرگ‌ترین حوزه مشروطه‌خواه دینی ایران و ریاست روحانی - سیاسی مشروطیت را داشته است مناسب می‌دانیم در این باب کمی تأمل و درنگ تحقیقی و تاریخی داشته باشیم. از قبل از انقلاب مشروطه شروع کنیم، زمانی که میرزا علی آقا شیرازی روزنامه مظفری را دایر نموده است.

در مورد اهمیت روزنامه مظفری نویسنده تاریخ جراید و مجلات ایران می‌نویسد:

روزنامه مظفری از روزنامه‌های آزاد و ارجمندی بود که دوش به دوش روزنامه جبل‌المتین پیش می‌رفته؛ منتهی چون جبل‌المتین در خارج ایران طبع و توزیع می‌شده دشمنان آزادی ایران دسترسی به توقیف و جلوگیری از انتشار آن نداشته‌اند؛ فقط یکی دو سه بار توانسته‌اند از ورود آن به خاک ایران جلوگیری کنند، اما بیچاره مدیر مظفری چون در داخل ایران می‌زیسته دچار همه‌گونه عذاب و شکنجه شده و نگذاشته‌اند با قلم خود مردم جنوب را بیدار کند و از این جهت وقایع ناگوار و سختی

۳۱. فوت میرزا علی آقا شیرازی در تاریخ ۱۲ ماه صفر ۱۳۳۶ هجری قمری در کربلای معلی اتفاق افتاده است. رحمه‌الله علیه.



از سمت راست حاج میرزا علی آقا لیب‌الملک شیرازی، مدیر روزنامه مظفری؛  
عبدالحمید خان متین‌السلطنه، مدیر روزنامه طلوع؛ رئیس گمرک بوشهر ۱۳۳-۱۸

برای او پیش آورده و عاقبت هم او را از بوشهر تبعید... ساخته‌اند. با همه مشکلات و موانع، هم این آزادمرد هنگام تبعید و آوارگی دست از اظهار عقاید و دشمنی خود با انگلیسها و مستبدین برنداشته و روزنامه را در مکه و کربلا به نام غیرت منتشر ساخته است.<sup>۳۲</sup>

مدیر روزنامه مظفری به عنوان نقل تاریخ همچنان، به فعالیت خود ادامه داده و جریده دیگری به نام انتباه دایر کرده و همان سیاست سابق را با جدیت پی می‌گیرد. مرحوم صدر هاشمی در تاریخ جراید و مجلات در مورد این روزنامه می‌نویسد:  
روزنامه انتباه در شهر کربلا به مدیری (میرزا علی آقا شیرازی) مدیر روزنامه مظفری تأسیس و در سال ۱۳۳۲ قمری ۲۱ شماره از آن منتشر شده است. پس از نشر تعداد

۳۲. محمد صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان، انتشارات شمال، ج ۴، ص ۲۱۶.

مذکور نام روزنامه عوض شده و به اسم حقایق سه شماره و شماره چهارم به نام انتقام انتشار یافته است.<sup>۳۳</sup>

روزنامه انتقام نام دیگری است که میرزا علی آقا شیرازی این ایرانی آزادیخواه مسلمان و معتقد، در مخالفت با غرب و سلطه انگلستان برای دوره بعدی فعالیتش انتخاب می‌کند. در تاریخ مجلات و جراید ایران در این باره چنین آمده:

میرزا علی آقا ملقب به لیب‌الملک مدیر روزنامه مظفری مطبوعه بوشهر، پس از توقیف روزنامه او [تبعید از شهر مذکور در سال ۱۳۳۲ قمری، بعد از چند ماه سرگردانی در بصره، باز به خیال مراجعت به بوشهر می‌افتد ولی این بار نیز حکومت بوشهر و دولت ایران اجازه ورود به او نمی‌دهند، بدین قسم که مدیر مظفری شرحی راجع به ورود خود به ایران به حکومت بوشهر می‌نویسد و کسب اجازه می‌نماید. حکومت بوشهر جواب می‌دهد باید از قنصل انگلیس در بوشهر طلب اجازه نمایید. مدیر مظفری به قنصل انگلیس مکاتبه می‌کند و بالاخره جواب می‌شنود که برای ورود به ایران باید پنج هزار روپیه در بانک شاهنشاهی به ودیعه بگذارید که اگر روزی بر ضد سیاست انگلیس و مصالح انگلیسیها چیزی نوشته شد به پنج هزار روپیه حقی نداشته باشید. مدیر مظفری قسم یاد می‌کند که تا مادامی که زنده هستم اصلاً دیگر قلم روی کاغذ نخواهم گذاشت چه رسد به روزنامه‌نویسی و برضد مصالح انگلیس چیز نوشتن.

قنصل انگلیس به این حرفها گوش نمی‌دهد و ورود مظفری را به ایران فقط به سپردن پنج هزار روپیه محول می‌نماید. مدیر مظفری پس از یأس از آمدن به ایران درصدد برمی‌آید مطبوعه ای در کربلا دایر نماید و بالاخره در سال ۱۳۳۲ قمری به کمک فرزندش مطبوعه ای به نام «مطبوعه حسینی» در کربلا تأسیس می‌کند. مدیر مظفری به همین اندازه قناعت ننموده بلکه برای گرفتن انتقام از انگلیسیها در کربلا روزنامه‌ای به نام انتقام تأسیس و منتشر می‌نماید.<sup>۳۴</sup>

صدر هاشمی در ادامه می‌نویسد:

بیشتر منظور مدیر مظفری از تأسیس این روزنامه تحریک ایرانیان و اعراب مقیم کربلا بر ضد سیاست انگلیس و روس در ایران بوده و به همین مناسبت بیشتر مندرجات روزنامه انتقام درباره فتوحات آلمان و عثمانی و شکستهای انگلیس در

۳۳. همان، ص ۲۸۲.

۳۴. همان، ص ۲۸۳.

جنگ بین‌الملل اول است.<sup>۳۵</sup>

روزنامه انتقام چنانچه اشاره شد در کربلای معلی تأسیس شده و عنوان تلگرافات و مراسلات آن «کربلا مطبعه حسینی» است. در سر عنوان روزنامه مطالب و جملات زیادی به خط ریز به زبان فارسی و عمومی نوشته شده از قبیل: و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم و نیز در زیر کلمه انتقام (اسم روزنامه) این آیات از قرآن درج شده: یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم. آیه دیگر: یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون... و اعدو لهم ما استطعتم.

در زیر آیات مذکور این چند جمله به فارسی درج شده است: «ای مسلمانان، ای مؤمنان به کتاب الله، ای دینداران، ای ایرانیان غیرتمند الله الله بالاسلام، الله الله بالدين، الله الله بالوطن، الله الله بالامه، الله الله بالناموس العصمه، اللهم انا نشکوا فقد نبینا و غیبه و لینا و کثرة عدونا».

قیمت اشتراک سالانه و شش ماهه روزنامه بدین قسم تعیین شده است:

یک جو ملاحظه، یک ذره غیرت و ابراز هنر در اخذ انتقام از دشمنان دین و حفظ اسلام و شاهنشاهی ایران زمین که مربوط به رؤسا و مشایخ و خوانی است.<sup>۳۶</sup>  
سه ماهه، تک نمره: فریب نخوردن افراد ملت از دسایس بعضی وزرا و رجال و حکام و مأمورین خائن و وطن‌فروش که دستیاران و کارکنان متجاوزین خارجه «لاسیما جادوگران انگلیس» اند.<sup>۳۷</sup>

در خارجه: به انضمام خرج پست یا فی‌الجمله قدردانی. یا غیرتمندان بصیر ولو به ذریعه و مکاتبات شخصی هم باشد اولیای امور را متذکر شوند که نترسند.<sup>۳۸</sup>

درباره طرز انتشار روزنامه چیزی نوشته نشده و فقط نوشته است: «این ورقه موقتاً طبع می‌شود فقط به امید ایقاظ و انتباه کافه مسلمانان دنیا».<sup>۳۹</sup>

راجع به علت پیدایش و انتشار و همچنین مندرجات روزنامه شرحی به عنوان «اعلام» ذکر شده که عیناً نقل می‌شود:

چون هموطنان شهرنشین، خاصه بعضی وزرا و رجال و امرا و حکام و مأمورین و

۳۵. همان، ص ۳۸۴.

۳۷. همان.

۳۹. همان.

۳۶. همان، ج ۴، ص ۲۸۲.

۳۸. همان.



شماره (سمت راست)	سال و مظهری و دیگر	شماره (سمت چپ)
مجموعه مراسلات	۱۳۱۹	مجموعه اشعار
ادبیه مظفری برشیر		سلیقه و ششما
چهره ایست آزاد		پوشهر
بعضی سه مرتبه طبع و توزیع میشود		۲۸ قران - ۱۸ قران
۱۵ شبر صابر نظیر		دو سار عمالک محروسته ایران
مطابق ۲۰ برج حمل		۳۴ قران - دو تومان
۱۳۲۴ هجری		هندوستان
مصادف ۱۰ ذی قعدة		۱۰ روبه - ۶ روبه
۱۹۰۶ میلادی		در تمام اروپا
وجه اشتراك از هر كس و هر جا		۱۸ فرانك - ۱۰ فرانك
پسكنی گرفته میشود		روسیه و تركستان
قیمت تعلقات سطرى يك تتران		۷ منات - چهار منات
		
وجه بسته همه جا بصدقه اداره است درین سال و مظهر سال پنجاه و نه ساله تا به ابدی داد میشود		
در این جریده از هر کجایه و قریه اخبارات و منات مفیده راجع صنعت و تجارت و مقالات علمی و ادبیات و هر نوع لایحه که متضمن فواید عمومی و منافع ملی و مصالح عمومی باشد پذیرفته میشود و نوشته ها بجز در وقت کشفه که منافی با دین و دولت نباشند پذیرفته و درج نخواهد شد. مکتوبی که درج نشود صاحبش حق استرداد آنرا ندارد.		

روزنامه مظفری

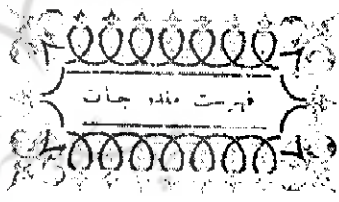
جهانگیری بدون جنگ خونریزی

شماره ۲

مساحت و عدد نفوس آن

مساحت تخمینی آن ۸۲۰۰۰ مایل مربع است و عدد نفوس آنرا از ۸ الی ۱۶ ملیون تخمین کرده اند.

استانهای همین زویدی نسبت برده که آن است  
 دارای ۲۳۵۶۲۶۷ خانواره میباشد که عبارت از ۱۰۵۲۸۹۳۷  
 دست زن و شده از آنجا که ۵۲۱۷۳۲۳ فرد آورو ۵۲۱۱۶۱۴  
 عبارت است. و سنبل پانزعت گوربا دارای ۷۰۰۰۰۰  
 دمن است. زبان اهالی آنجا مخلوط از فارسی، مکران و  
 زبونی است. خط عربی و اخبار در تمام نوشته ها برسد  
 مکتوبات اغلب مشتمل است. این دو مراسلات مربوط  
 به خورشید آفرینند.



جهانگیری بدون جنگ و خونریزی - شورشین  
 زمین مرغ - مویان آمدن - سینه غواصه - بیاحت  
 تحت البحر - مکتوب از بهمان - مظفری -  
 محل مریوز - صورت تکرف - تکرات -  
 عراق عرب - ورود - عرصه عرصات با و لغات  
 حضرت خیز صلابت - صورت ورود در بازار و  
 مالی التجاره خارجه - صورت خروج چهره شومادرات  
 مالی التجاره ایران - خانه - شیراز - اخبار شادمان

علما و اشراف و تجار و اعیان با عز و تمکین، هر یک در مورد خود و علی قدر مراتبهم در ظرف چندین سال امتحانات خود را در کفرپرستی، لا سیمادر مساعدت به متجاوزین روس و انگلیس داده‌اند، لذا روی سخن ما در این شماره با غیرتمندان دیندار از اهالی دهات و قصبات و بلوکات و ایلات و عشایر است. طلسم سحر و جادوگری متجاوزین اجنبی که ممالک اسلامی را اشغال کرده بودند، خاصه قلعه‌های مروم انگلیسی و روس، به قوه سوزناک و ناله‌های سحرگاهان مظلومین شکست. به عالمیان ثابت شد که آن همه قوت و قدرتی را که خائنین وطن‌فروش داخلی نامسلمانان اسباب ترس خود و مرعوبیت ما ملت فلک‌زده قرار داده بودند نبود جز به قوه واهمه و خواب با خیال. به همین سبب، این ورقه انتقام سخن می‌راند از وقایع ماهیه و حاکمیه که غیرتمندان دیندار و وطن‌خواهان بیدار هوشیار شده در اخذ انتقام به فکر آتیه خود باشند.<sup>۴۰</sup>

ظاهراً علت تغییر نام، توقیف‌های متوالی بوده که از روزنامه به عمل آمده است و مدیر مظفری، پس از تعطیل انتقام، در سال ۱۳۳۴ قمری، در کربلا روزنامه دیگری به نام غیرت انتشار داده است.

روزنامه غیرت کربلا در شهر کربلا به زبان فارسی و در سال ۱۳۳۴ قمری منتشر شده است. قیمت اشتراک آن چنین بوده است:

مادام‌العمر سالانه شش ماهه در تمام ممالک اسلام: خواندن و فهمیدن و در راه خدمت اسلام و بقای استقلال دولت ایران به جدیت و راستی قدم زدند؛ در ممالک خارجه: حفظ مراتب ایرانیّت.

قیمت تک نمره: بعد از خواندن به دیگری دادن.<sup>۴۱</sup>

در زیر عنوان روزنامه چند شعر و یک سطر نثر بدین قرار نوشته شده:

های با ناموس مردان وطن	دست غیر آلوده دامان وطن
مادر مظلوم ما ایرانیان	گوید او با نوجوانان وطن
هان باناموس فرزندان من	دست غیر آلوده بر دامان من

قسمت نثر: «این ورقه در این ایام که یوم‌الامتحان است به یادگار خدمت خدام و خیانت خائنین، که هر یک در موارد خود امتحان داده‌اند، طبع می‌شود.»<sup>۴۲</sup>  
اما سابقه میرزا علی‌آقا شیرازی و مسئله روزنامه مظفری خود حکایت مفصلی است که

۴۱. همان، ص ۶۰.

۴۰. همان، ص ۲۱۵.

۴۲. همان.

جا دارد آن‌طور که مرحوم صدرهاشمی به آن اشاره داشته است عیناً آورده شود. روزنامه مظفری در سال ۱۳۱۹ در بوشهر تأسیس شده است.

در تاریخ جراید و مجلات ایران چنین آمده:

مرحوم میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری برای تهیه مطبعه سفری به هندوستان نموده و پس از تهیه مطبعه به بوشهر بازگشته و از ابتدای سال چهارم روزنامه را با چاپ عربی منتشر نموده.

در صدارت عین‌الدوله روزنامه مظفری در بوشهر توقیف شد و مدیر آن آقامیرزا علی آقا لیب‌الملک محبوس گردید و این توقیف مصادف با سال چهارم انتشار روزنامه مظفری بوده است.

پس از چندی... به وساطت جناب آقای اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات، مدیر مظفری نیز از حبس نجات یافته و روزنامه‌اش از توقیف خارج می‌شود و این مطلب را در شماره ۲۶ سال سوم چهره‌نما چاپ مصر مورخ ۲۰ رجب ۱۳۲۲ قمری تحت عنوان «هیئت معارف و ملیون را مژده» بدین قسم ذکر کرده است:

«جناب آقای میرزا علی آقا لیب‌الملک مدیر گرامی روزنامه مظفری که از تطاول دهر دون و تهاجم بلایای چرخ نیلگون مطرود و محبوس و اداره روزنامه‌اش توقیف و اهل بیتش با غم مانوس بود به وساطت اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات... از قید طرد و حبس آزاد و مطبعه خودش به خودش واگذار و هیئت معارف دلشاد شد. پس از دو سال توقف در بوشهر و انتشار روزنامه مظفری مجدداً در سال ۱۳۲۶ قمری به هنگام وقوع حوادث بمباران مجلس و نفی آزادیخواهان از تهران، مدیر مظفری چون جان پاکش را در بوشهر در خطر دیده از آن شهر فرار و رهسپار هندوستان شده است.»<sup>۴۳</sup>

پس از برقراری مجدد رژیم مشروطیت و بازگشت آزادیخواهان به دیار خود مدیر مظفری نیز از مسافرت هندوستان و مصر و حجاز بازگشت و برای بار دیگر روزنامه مظفری را در شهر خود منتشر نمود.<sup>۴۴</sup>

پس از دو سال توقف در بوشهر و انتشار روزنامه مظفری روز ۸ صفر ۱۳۳۰ قمری هنگامی که مدیر مظفری در حمام بوده دو نفر مأمور از طرف حاکم بوشهر (مؤقرالدوله) در حمام رفته و از همانجا میرزا علی آقا شیرازی، مدیر مظفری، را به بندر ریگ تبعید می‌نمایند و بار دیگر روزنامه مظفری تعطیل می‌شود. روزنامه چهره‌نما در شماره ۴۰ سال نهم نمره ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ قمری از قول مخبر خود در بوشهر می‌نویسد: «از وقایع مهم این چند روزه بوشهر نفی مدیر مظفری از بوشهر است که روز ۱۸ صفر هنگامی که مدیر جریده مظفری در حمام بود از طرف ایالت

۴۴. همان، ص ۲۱۵.

۴۳. همان، ص ۲۱۴.

جلیله دو نفر مأمور شده بر در حمام آمدند پس از بیرون آمدن از حمام، مدیر مظفری را سوار و به طرف بندر ریگ از بوشهر اخراجش کردند. مأموریتشان همچنان فوری بود که او را اذن ندادند به خانواده‌اش بیاید. حالیه اقوال در نفی او بسیار است؛ بعضی می‌گویند از طهران حکم رسیده، برخی می‌گویند انگلیسیها سبب شده...»<sup>۴۵</sup>

پس از یک سال و نیم تبعید و توقف در بندر ریگ و کربلا ناگهان در ربیع‌الاول ۱۳۳۱ قمری مدیر مظفری وارد بندر بوشهر شده و در صدد بوده است که در صورت عدم موافقت با توقف او در بوشهر با فروش اسباب خانه و لوازم مطبوعه به خارج ایران رهسپار شود اما مخالفین، بدون آنکه بدو فرصت دهند، مجدداً او را از بندر بوشهر اخراج می‌نمایند. شرح این حادثه رقت‌آور را مدیر چهره‌نما از قول مخبر خود در بوشهر که خود شاهد حوادث بوده این‌طور می‌نویسد:

«حادثه مهم‌تر آمدن ناگهانی جناب حاجی میرزا علی آقا مدیر جریده مظفری از عتبات به بوشهر که پس از یک سال و چیزی که در حبس بندر ریگ و فرار و دریه‌داری و مهاجرت و به انواع عذابهای هرگونه گرفتار شده بود آمده بود گویا با اسباب خانه و مطبوعه و غیره خود را کوچ به کربلا بدهد ولی بدبختانه این کربلایی پر بلا وارد نشده حکومت قانونی او را طلب می‌نمایند و از آمدنش هراسان می‌شوند و پس از گفت و گوهای زیاد فرار می‌شود سه روزه حرکت کند. علت استعجال در حرکت او را رجوعات متعدد می‌شمارند؛ برخی می‌گویند اهل حکومت مایل به ماندن او نیست، برخی می‌گویند انگلیسیها، برخی می‌گویند حکم از طهران است که مدیر مظفری باید نفی ابدی بشود. علت این شدت و سختگیری معلوم نشده از کجا بوده است.»<sup>۴۶</sup>

روزنامه چهره‌نما چاپ مصر از قول مخبر خود در بصره در شماره ۶ و ۷ سال ۱۱ مورخ نمره جمادی‌الاول ۱۳۳۲ قمری نوشته:

قریب سه ماه است مدیر بیچاره مظفری در بصره سرگردان به سر می‌برد. گویا خیالش رفتن به بوشهر بوده ولی از طرف دولت ایران و حکومت بوشهر و دولت انگلیس اجازه حاصل نشده. معلوم نشده که این بیچاره چه گناه بزرگی مرتکب شده که سه مدعی پر زور دارد، در صورتی که این‌گونه مدعیین سیاسی در دنیا بسیار بوده و پس از آنکه یک سال یا شش ماه حبس کشیده یا در به در یا بیرون از وطنشان بوده‌اند گناهانشان آمرزیده شده و قانون اجازه دخول را به او داده است که داخل وطنش گشته سری به اهل و عیال و زندگی خود بزند.<sup>۴۷</sup>

۴۶. همان، ص ۲۱۶.

۴۵. همان.

۴۷. همان، ص ۲۱۷.